

# اصول و عوامل برقراری ارتباط میان اولیا و مربیان

محمود معین  
مدرس آموزش خانواده - قم

## مقدمه

به گفته کارشناسان تعلیم و تربیت، انجمن‌های اولیا و مربیان فصل مشترک همکاری‌های مردم و نظام تعلیم و تربیت کشور محسوب می‌شوند و از این رو دارای اهمیت‌اند. به همین دلیل، جلب مشارکت‌های فکری و عملی اولیا و مربیان در زمینه حل و فصل مشکلات و نیز برقراری ارتباط درست و هماهنگی میان انجمن‌های یاد شده با واحدهای آموزشی کشور، نیازمند شناخت اهداف انجمن اولیا و مربیان توسط والدین است تا با علاقه‌مندی و انگیزه بیشتر در مدارس به همکاری بپردازند.

ارتباط خانه و مدرسه و هم‌اندیشی اولیا با مربیان یکی از لوازم اصلی تعلیم و تربیت صحیح و همه‌جانبه است و پویایی انجمن‌های مدارس بستگی زیاد به همت والای مدیران دارد. به عبارت دیگر، آن‌ها باید علاقه‌مند به ارتباط خانه و مدرسه باشند و زمینه لازم را فراهم سازند. چنانچه انجمن‌های مدارس با احساس مسئولیت اولیای گرامی و رهبری مدیران محترم مدارس به طور واقعی تشکیل شوند، به طرز مؤثر هم‌اندیشی کنند و بر امور مدرسه نظارت داشته باشند، بسیاری از مسایل تعلیم و تربیت حل می‌شود.

خانواده، اولین، مقدس‌ترین و مهم‌ترین عامل تربیت کودکان و نوجوانان است. زیربنای اخلاق و اعتقادات انسان در خانواده شکل می‌گیرد. سلامت و بیماری جامعه، به مقدار زیاد، در گرو شرایط عمومی خانواده است و در حقیقت

سلامت یک جامعه بستگی به سلامت خانواده‌ها دارد. بنابراین برای حفظ و تداوم سلامت خانواده‌ها، از همه ابزارها و وسایل، از جمله از توانایی‌های مدارس، باید استفاده کرد. فلسفه وجودی انجمن اولیا و مربیان، تقویت و هدایت خانه و خانواده است، زیرا ریشه تربیت در خانواده قرار دارد. برای برقراری ارتباط صحیح میان خانه و مدرسه، موانع ارتباطی را باید شناخت و خواهان رفع آن بود. به بیان دیگر، باید عوامل انگیزشی و ترغیب‌کننده حضور اولیا در مدرسه را بشناسیم و به عوامل بازدارنده حضور آنان در مدرسه‌اندیشه کنیم.

مدیری که خواهان تحقق مشارکت اولیا در امور مدرسه است، باید دارای خصوصیتی از قبیل امانت‌داری، صداقت در عمل، عدالت، ساده زیستی، اعتقاد به مشورت، اخلاق اسلامی، گشاده‌رویی، مهربانی و صبوری باشد.

## عوامل مؤثر در ارتباط خانه و مدرسه و موانع آن

مشارکت واقعی در مدرسه موقعی صورت می‌گیرد که مردم (اولیا) از نظر ذهنی و عاطفی درگیر شوند و به عواطف آن‌ها توجه کافی گردد. برای رسیدن به این اهداف باید به شناخت انتظار اولیا از مدرسه و به تفهیم انتظارات مدرسه از اولیا پرداخت.

اولیا خواهان ارتباط یک سویه و یک بعدی نیستند و باید قبول کرد که اولیا (اعم از تحصیل کرده و بیسواد) بلوغ لازم و کافی برای دخالت در تصمیم‌گیری را دارند، زیرا آن‌ها هم قدرت تفکر دارند، هم صاحب تجربه‌اند و هم نسبت به فرزندان خود علاقه‌مندند.

مدرسه برای توسعه و بهبود رابطه خود با والدین باید از طریق ارائه آموزش‌های مناسب، درصدد تقویت توانایی، و صلاحیت‌های تربیتی آنان باشد و این نکته را گوشزد کند که تربیت کردن، امری تخصصی، پیچیده، سخت و گسترده است و لذا خانواده‌ها برای تربیت فرزندان خود حتماً باید از آموزش‌های لازم و مستمر بهره‌مند شوند. به عنوان مثال وقتی که از اولیا برای حل مشکل رفتاری فرزندشان در مدرسه کمک بخواهیم (نه برای محکوم کردن روش‌های تربیتی آنان)، آن‌ها اطلاعاتی خوب و دقیق در اختیار ما خواهند گذاشت و در موقع حل مشکل اگر احساس کنند روش‌های تربیتی آن‌ها صحیح نیست، خودشان خواهان یادگیری روش‌های تربیتی صحیح می‌شوند. بدین ترتیب اگر کلاس‌های آموزش خانواده از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند، نگرشی مثبت نسبت به آموزش و مدرسه در اولیا ایجاد می‌گردد. شایسته ذکر است که والدین بیش از مباحث نظری به مطالب کاربردی نیاز دارند تا در موقع بروز مشکل آن‌ها را به کار بندند.

برای برقراری رابطه صمیمانه بین خانه و مدرسه باید تلاش کرد تا مشکلات خانواده‌ها شناخته شود. برای مثال، برنامه‌ای برای شنیدن دردها و مشکلات خانواده‌ها و راهنمایی و همدردی کردن با آن‌ها تنظیم کرد. اولیا نباید خود را ناچیز و کم‌مقدار تصور کنند. آن‌ها باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند.

والدین انگیزه بالایی برای پیشرفت علمی، تحصیلی و اخلاقی فرزندان خود دارند، از این رو اگر بستر و زمینه‌ای مناسب برای جلب و جذب توانمندی‌های آنان فراهم شود، مطمئناً از همکاری با نظام آموزشی مضایقه نخواهند کرد و مدارس می‌توانند از حداکثر توان بالقوه فکری، علمی، مهارتی و تخصصی والدین دانش‌آموزان استفاده کنند.

هم‌چنین از جمله موانع برقراری ارتباط کامل و همه‌جانبه

میان خانه و مدرسه می‌توان به نظام آموزش و پرورش متمرکز و عدم اعتماد و اطمینان به مردم اشاره کرد که خود نشانه تربیت غلط مدیران و تصمیم‌گیرندگان است. تجربه نشان داده است که هر زمان مدیری انعطاف و شایستگی برای عمل مشارکتی از خود بروز داده، بدون توجه به سایر موانع، کارها نسبتاً خوب پیش رفته است.

## اصول حاکم بر برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه

رابطه خانه و مدرسه همچون رابطه جسم و روح است، هیچ‌کدام بدون دیگری نمی‌تواند به اهداف خود برسد و به قولی خانه و مدرسه دو بال لازم برای پروازند و بدون دیگری امکان پرواز وجود ندارد.

با توجه به اهمیت و ضرورت ارتباط خانه و مدرسه، در این ارتباط اصولی باید رعایت شود تا شاهد رابطه‌ای سالم و مستمر باشیم. حسن ملکی (۱۳۸۳، ص ۹) اصول برقراری رابطه با اولیا را این‌گونه بیان می‌کند:

۱- اصل انسجام؛ یعنی این که اعضای هرگروه تکالیف خود را مشخص کرده باشند و بدان عمل کنند و نسبت به حقوق یکدیگر احترام بگذارند، یعنی ارتباطات اصولی میان اعضا برقرار باشد.

۲- اصل اعتقاد به ارتباط؛ خانواده نسبت به ارتباط و اثرهای آن اعتقاد داشته باشد و تربیت را حاصل ارتباط با مدرسه بداند.

۳- اصل مطلع بودن؛ یعنی مدرسه از اوضاع و احوال خانواده، و خانواده از ضوابط و مقررات و آیین‌نامه‌های مدرسه مطلع باشد.

۴- حفظ حرمت و احترام؛ حرمت هرکس در هر شرایطی باید حفظ شود. مدرسه و خانه باید دارای رابطه متقابل و احترام‌آمیز باشند.

۵- اصل استمرار؛ ارتباط‌های موردی، مشکل را حل نمی‌کند، استمرار است که ارتباط را نافذ می‌سازد.

۶- اصل سازگاری و انتقادگری؛ ما نباید انتظار داشته باشیم که دیگران تمام حرف‌های ما را تأیید کنند و با همه حرف‌های ما هماهنگ باشند.

۷- اصل خوب شنیدن و خوب گفتن؛ مراد از خوب گفتن، صریح و روشن و مؤدبانه حرف زدن است. اگر اولیا و مربیان خوب گفتن و خوب شنیدن را در ارتباط میان خانه و



۹- اصل ارزشیابی؛ باید اهل ارزشیابی باشیم. از آن جا که با شرایط و اوضاع خو گرفته‌ایم، مایلیم همه چیز همان گونه که هست باقی بماند. ارزشیابی سبب می‌شود که در مورد خود و رفتارمان بیندیشیم و وضعیتمان را اصلاح کنیم.

۱۰- اصل اعتماد متقابل؛ مدرسه و معلم‌ان باید نگهدارندهٔ اسرار مردم باشند تا مورد اطمینان و اعتماد قرار بگیرند و خدای ناکرده از اسرار خانواده سوء استفاده نکنند.

۱۱- اصل چهره به چهره؛ در این ارتباط مسائل و مشکلات به راحتی مطرح می‌شوند و راه‌حل‌های مناسب نیز ارائه می‌گردند. یک گفت و گوی چهره به چهره مناسب سبب می‌شود نود درصد مسائل فی ما بین حل شود.

#### چگونگی ارتباط اولیا با مدرسه

زمینه‌های مشارکت خانواده را می‌توان در چهارچوب دو نقش اساسی و مهم آن‌ها، یعنی مشاوره و نظارت، به این شرح برشمرد (جمالی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴):

الف) تبادل نظر با مسئولان مدرسه در ارتباط با امور آموزشی و رفتاری فرزندان‌شان.

ب) تبادل نظر با مسئولان مدرسه و پی‌گیری اموری که

مدرسه مراعات کنند، انجمن‌های اولیا و مربیان به مراتب موفق‌تر خواهند بود.

۸- اصل زمینه‌یابی در ارتباط؛ انسان عاقل علت بین است و غیرعاقل به معلول توجه می‌کند. یعنی اولیا و مربیان در ارتباط با یکدیگر باید علت‌نگر باشند و به علل رفتارهای متقابل توجه کنند، تا این ارتباط اثربخش باشد.

#### چنان‌چه انجمن‌های مدارس با

احساس مسئولیت اولیای

گرامی و رهبری مدیران محترم

مدارس به طور واقعی تشکیل

شوند، به طرز مؤثر هم‌اندیشی

کنند و بر امور مدرسه نظارت

داشته باشند، بسیاری از مسایل

تعلیم و تربیت حل می‌شود.

## انگیزه‌های ارتباط اولیا با مدرسه می‌تواند این‌گونه باشد:

- ۱- نیازهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و احتمالاً مالی مدرسه.
  - ۲- نیت خیر (توشه آخرت براساس اصول اعتقادی).
  - ۳- همدردی، انسانیت و روحیه جوانمردی.
  - ۴- پاسخ به ندای وجدان.
  - ۵- ریا و احتمالاً اهداف کج‌اندیشانه.
  - ۶- پشتیبانی از فرزندان و توجه به آینده آن‌ها.
  - ۷- عرق ملی و میهنی.
  - ۸- گرایش‌های شخصی.
  - ۹- انگیزه جاودانه ماندن نام و نشان.
  - ۱۰- خدمتی که خیر فراوان دارد. (رشد مدیریت، ۱۳۸۱)
- در پایان، برای روشن شدن هدف ارتباط خانه و مدرسه، از این جمله که در یکی ازگردهمایی‌های فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیا مطرح شده است، استفاده می‌کنیم: «کودکان و نوجوانان از اولیا انتظاراتی دارند که آنی نیست و والدین و مدارس باید آن‌ها را در کسب هویت واقعی به عنوان یک فرد یاری کنند و ابزارهایی در اختیار آن‌ها قرار دهند که به آن‌ها امکان زیستن بدهد، نه فقط امکان نفس کشیدن؛ و امکان بدهد که نقش خویش را ایفا کنند، نه این که تنها ایفاگر نقش تحمیلی باشند؛ امکان بدهد که در برابر فشارها پایداری کنند، نه این که در چنگال سراسیمگی و وحشت اسیر شوند؛ خلاصه امکان آن را بدهد که مبدل به یک فرد بالغ و رشید گردند.» (پیوند شماره ۲۶۳، ص ۱۲۲)

## فهرست منابع:

- ۱- عیسی، جمالی (۱۳۷۹): از کجا آغاز کنیم؟، تهران، انتشارات منادی تربیت.
- ۲- ماهنامه رشد مدیریت، آبان ۱۳۸۱.
- ۳- فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیا (تابستان ۱۳۸۰): «فرایند جهانی شدن و آموزش خانواده»، ترجمه محمدکاری، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۲۶۳، ص ۱۲۲.
- ۴- ملکی، حسن (بهمن ۱۳۸۲): «اصول برقراری ارتباط میان دو نهاد خانه و مدرسه»، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۲۹۲، صص ۹ - ۵.

خود داوطلب انجام آن‌ها بوده‌اند یا از طریق انجمن اولیا پیش نهاد شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. این همکاری ممکن است در زمینه‌های زیر باشد:

- ۱- چگونگی استفاده از تخصص‌های علمی و تجارب فنی و حرفه‌ای اولیا در فعالیت‌های مدرسه.
- ۲- برنامه‌ریزی برای رسیدگی به امور آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به ویژه دانش‌آموزانی که از این لحاظ مشکل دارند.
- ۳- برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از وسایل کمک آموزشی، کتابخانه، اجرای کار عملی و آزمایشگاهی، فعالیت‌های فوق برنامه، بازدیدهای علمی، برگزاری کلاس‌های تقویتی، جبرانی و پیشرفت تحصیلی.
- ۴- برنامه‌ریزی برای آموزش خانواده.
- ۵- برنامه‌ریزی و همکاری در تشکیل گردهمایی‌ها، کنفرانس‌های علمی، آموزشی و تربیتی، به ویژه در زمینه ارائه روش‌های نوین تدریس به وسیله معلمان مجرب و موفق همان مدرسه.
- ۶- برنامه‌ریزی و همکاری در اجرای برنامه‌های اردویی، تفریحی، سیاحتی و زیارتی.
- ۷- برنامه‌ریزی و همکاری در اجرای برنامه‌های پرورشی، تربیتی و آموزشی.
- ۸- رسیدگی به مشکلات رفتاری دانش‌آموزان.
- ۹- تأمین امکانات برای رفع نیاز مالی مدرسه و رسیدگی به وضعیت ساختمان و تجهیزات آن.
- ۱۰- رسیدگی به وضعیت دانش‌آموزان کم بضاعت.
- ۱۱- نظارت بر تمام فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، اداری و مالی و فوق برنامه مدرسه.

## اگر ارتباط مستمر می‌خواهیم

- ۱- باید مردم مدرسه را به واقع خانه فرزندان خویش بدانند.
- ۲- بخواهیم که اولیا در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها مشارکت فعال داشته باشند. باید این گونه مشارکت از آنان طلبیده شود و بستری مناسب برای این همراهی فراهم گردد، والا ممکن است مشارکت در ابتدا درخششی داشته باشد ولی بعد از مدت کوتاهی، کم‌رنگ شود. (همان منبع، ص ۱۵۷)